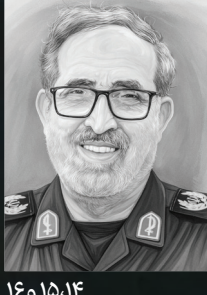
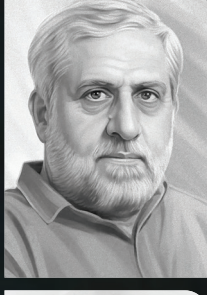
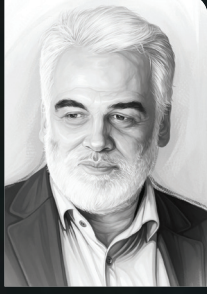
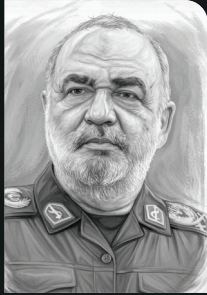
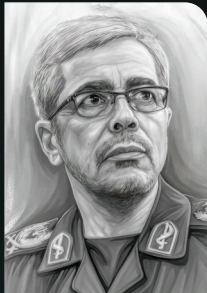


شعرا، نویسندگان و فعالان فرهنگی به افتخار شهدای فرمانده و دانشمند دفاع مقدس ۱۴۰۴ قلم زده‌اند

چشم جهانی نگران من و توست



۱۶ و ۱۵

رهبر انقلاب در دیدار

با خانواده شهدای دفاع مقدس ۱۲ روزه

از تضمین موفقیت ملت ایران

با دو مؤلفهٔ دین و دانش گفتند

سر ختم می سلاامت

۲

علم، اقتدار، طهرانچی



امیر محبوب
مدیرکل روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی

یادداشت

در روزگاری که بسیاری از «دانشمندان» و «مدیران» در حاشیه تکرار و محافظه‌کاری، روزمرگی رایج نام عقلانیت می‌نویسند، شهید دکتر محمد مهدی طهرانچی با شجاعت، اندیشه و روح جهادی خود، مرزهای گذشته، اکنون و آینده علم و اقتدار ملی را جابه‌جا کرد؛ مردی که هم شجاعت حضور در خطوط مقدم دفاع را داشت و هم جسارت عبور از خطوط قرمز کهنه و پوسیده علم و حکمرانی را. شهادت او برای جامعه دانشگاهی، فقط فقدان یک شخصیت نبود، قطع ریشه‌ای نادر از درخت تمدن‌سازی ایرانی. اسلامی بود.

ادامه در صفحه ۱۴

افسر اطلاعاتی که در یک لیگ دیگر بود



مرتضی درخشان
نویسنده

یادداشت

یک، «ناقوس مرگ کم‌کم دارد در گوش نسل ماسد امی‌کند...» بهمن‌ماه ۱۴ سال پیش، درست در صبح روز تشییع پیکر احمد سیاف‌زاده، علی شمخانی این جمله را در مسجد خوزستانی‌ها گفت. حاج احمد فرمانده عملیات قراگاه کریلا در جنگ بود و با بردن نام عملیات، اولین نامی که در کنار آن می‌آید، اطلاعات است. غلامرضا محرابی فرمانده اطلاعات قراگاه کریلا بود. اولین چیزی که به ذهنم می‌رسد این است که این جور آدم‌ها در مرز پیری و زمانی که به قول شمخانی ناقوس مرگ توی گوششان صدا می‌کند به چه چیزی فکر می‌کنند؟! ادامه در صفحه ۱۵

حکایت عصر آن روز پاییزی



احسان محمدحسینی
مدیر فرهنگی

یادداشت

اواخر آذرماه سال گذشته بود که خبر رسید آقای «حاج رمضان» به دنبال می‌گردد و می‌خواهد برای دیدار با شما به منزلتان بیاید! با شناختی که از ایشان و تهدیدها و حوادث اطرافشان داشتم، استدعا کردم از آن جایی که جابه‌جایی حاجی برای ایشان خطرناک است و مصلحت نیست، لذا رخصت دهند تا خودم خدمتشان برسم. مجدداً تماس گرفتند و تأکید کردند که حاجی اصرار دارند هرطور است خودشان بیایند! حرفی باقی‌نماند جز شکر و افتخار و سپاس من از مهربانی و فهم و فروتنی و تواضع و جوانمردی این علمدار سلحشور و گمنام ایران زمین! ادامه در صفحه ۱۴

امیر علی جی شاگ سبز دوست داشت



حامد عسکری
شاعر

یادداشت

سیاوش زنگ زدم چقدر رفیقیم؟ گفتم چطور خیلی زیاد! چه سؤالیه؟! گفت این قدر رفیق هستیم که من بگم دو ساعت دیگه فرودگاه باشی و نهرسی کجا و تا کی و چه جوری؟ فقط بگی چشم؟ گفتم ها هستم! گفت پس چهار ساعت دیگه فرودگاه مهرباد می‌بینمت! گفتم چند روزه بار و بنه بیندم گفت دو تا تیشرت به کلاه و شازرت همین. گفتم چشم، نیم ساعتی دوش و شارژ گوشی و نیم ساعتی غذا خوردن و چند تا تماس و لایه‌لایش جمع و جور کردن همان بضاعت اندک و بعدش هم پشت موتور و فرودگاه.

ادامه در صفحه ۱۴

سردار بی‌نشان موشکی



فاطمه سادات بانی
خبرنگار

یادداشت

حتی اسمش را هم نشنیده بودیم، توی اخبار اولیه آن روزی که نیمی از اساطیر نظامی ایران به شهادت رسیدند اسمش می‌آمد و می‌رفت ولی گمان اغلب‌مان این بود که شهید باقری یعنی همان سردار باقری، فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح، اما کم‌کم عکس‌ها و عنوان‌ها هم منتشر شد و تازه فهمیدیم در تمام ۱۶ سال گذشته کسی به نام محمود باقری مغز متفکر موشکی ایران بوده و اغلب ما حتی چهره‌اش را هم نمی‌شناختیم. بعد از جنگ ۱۲ روزه صدای کم‌رغی از عظمت و شهرت او و کارهایش شنیده شد.

ادامه در صفحه ۱۶

مردی که شهید زندگی می‌کرد



محمدرضا باقری
فعال رسانه‌ای

یادداشت

یک، پرتاب موشک ماهواره‌بر بود. از ظهر منتظر زمان پرتاب بودیم. بر بلندای تپه‌ای مشرف به موشک، نمی‌شد خیلی نزدیک شد. خیلی‌ها بودند، مقامات لشکری و کشوری، زمان پرتاب به دقت محاسبه شده بود، همه موارد چندین بار و با دقت مورد بازرسی قرار گرفته بود، لحظه پرتاب فرا رسید. موشک آسمان را در نورید و رفت و رفت تا نقطه شد و از دید خارج شد. از اینجا به بعد کسی نمی‌دانست چه می‌شود. همه منتظر تماس بودند. چهره غمگین امیرعلی حاجی زاده تکلیف‌رامشخص کرد. موشک نتوانسته بود ماهواره را در مدار قرار دهد. دلم برای زاده خیلی سوخت.

ادامه در صفحه ۱۶

حاج رمضان؛ فرماندهٔ معمار مقاومت



رقیه‌سادات موسوی
خبرنگار

یادداشت

ترور سرلشکر سعید ایزدی، معروف به حاج رمضان، مسئول پرونده فلسطین در نیروی قدس سپاه پاسداران، به تعبیر کاتز، وزیر جنگ رژیم جنایتکار اسرائیل، یکی از نقاط عطف جنگ اخیر (پس از هفتم اکثر و حملات رژیم اسرائیل علیه ایران) است. ۴۰ روز پیش، در اوج حملات رژیم اسرائیل به ایران، حاج رمضان به همراه همسرش در منزل خود در قم به شهادت رسید. شهادت فرمانده‌ای که بیانه‌های دوستان و دشمنان و یادداشت‌های تسلیت محور مقاومت نشان داد، او در فلسطین و لبنان بیش از ایران شناخته شده بود.

ادامه در صفحه ۱۶